

فریاد به "پایانت سلام کن" مردم و نامگذاری های بدقواره ی سالانه ی خامنه ای!



امیرجوهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com

جمعه ۴ فروردین ۱۴۰۲ برابر با ۲۴ مارس ۲۰۲۳

خامنه ای به مانند یک دهه ی گذشته با نامگذاری نوروژی امسال، خط فعالیت و اهداف سیاست های منبعث از ذهنیت متوهم و بیمار گونه اش را برای کارگزاران دولت و بخش خصوصی و مافیای سرمایه داران نظام مشخص کرد!

خامنه ای طی بیش از یک دهه نامگذاری ها با سرهم بندی کردن واژگانی از قبیل «تولید»، «تورم»، «اشتغال»، «اقتصاد مقاومتی»، «جهش»، «کالای ایرانی» و... پس و پیش کردن آنها و... کل برنامه های اقتصادی نظام را طی ابتدای سال، بسته بندی می کند.

از همین روی بدون در نظر گرفتن مبارزات جاری و ساری در بطن جامعه و بازشناسی دلایل کاستی ها، طوطی وار به عادت مرسوم و منحوس سالانه، نامی را پرتاب می کند و همه عمله و اکره نظام را بی آنکه نه خود معنی دقیق این کلمات را بفهمد و نه مزدورانش، برای اجرای این واژه- رهنمودها به صف می کند.

مروری به نامگذاری ابتدای سال توسط خامنه ای در بیش از یک دهه از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ و دو سال بعدش، تنها نشانه ی پندارهای هیروتی او از واقعیات ساری و جاری جامعه ماست.

برای من به عنوان یک فعال اجتماعی که دغدغه ی زحمتکشان جامعه در سر دارم این پرسش مطرح است که وقتی حکمرانان نظام ولایی، فهم دریافت و واقعیت های پیدا و پنهان زیر پوست مملکت را ندارند و به تبعیت امامشان خمینی، همچنان اقتصاد را مال خرمی شناسند! جر این که «حضرت آقای شان» هر ساله نامی را برای سرپوش نهادن به کل خرابی های موجود، افاضه می فرمایند و دیگر هیچ! چه اصراری بر نامگذاری اقتصادی هر سال دارد؟

نگاهی به نامگذاری‌ها (سال ۱۳۹۰ «جهاد اقتصادی»، سال ۱۳۹۱ «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، سال ۱۳۹۲ «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی»، سال ۱۳۹۳ «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی»، سال ۱۳۹۴ «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی»، سال ۱۳۹۵ «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل»، سال ۱۳۹۶ «اقتصاد مقاومتی؛ تولید، اشتغال»، سال ۱۳۹۷ «حمایت از کالای ایرانی»، سال ۱۳۹۸ «رونق تولید»، سال ۱۳۹۹ «جهش تولید») بعد که به سال ۱۴۰۰ ورود کردیم، با همه‌ی نام‌های بی‌بو و خاصیت و تلخ‌کامی‌های سال‌های پیش، خامنه‌ای باز هم آن سال را با شعار «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها» نامگذاری کرد.

سال ۱۴۰۱ را «تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین» نام نهاد که مثل آب درهاون کوبیدن هیچ حاصلی نداشت. سالی را که جنبش عظیم «زن، زندگی، آزادی» همه‌ی ارکان کارگزار حکومت را به چالش کشید و تمامیت جامعه بعد از قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی، شعار «مرگ بر خامنه‌ای» سردادند، و نماد آزادیخواهی تمامی جامعه‌ی ما «نه» به کلیت نظام اسلامی شد، او در طولانی‌ترین سخنرانی‌اش در شهر (مقدس) همه چیز ممنوعه مشهد در اولین روز سال نو، ۱۴۰۲ را سال «مهار تورم و رشد تولید» نامگذاری کرد!

در برابر این مضحکه نامگذاری مبتذل یک نکته را با صدای بلند اعلام می‌داریم: در طول تاریخ بشر، سابقه نداشته که کسی بگوید من می‌خواهم با سیاست تورم‌زا، عدالت و مساوات را در جامعه برقرار کنم. برای شخص خامنه‌ای هیچ مهم نیست که وقتی فرزندان مردم معترض با وجود این‌که در خیابان‌ها با گلوله‌های ساچمه‌ای در معرض کور شدن، ربوده شدن، حمله شیمیایی به دختران دانش آموز در مدارس و دختران دانشجو در خوابگاه‌ها، مورد تجاوز به حرمت زندگی خوداند و طناب‌ها را برای گردن‌ها به هم بافتن و کشته شدن در درون زندان‌ها یا خودکشی بیرون زندان را به جان می‌خرند و فریاد می‌زنند: «فقر، فساد، گرونی/ می‌ریم تا سرنگونی» یا «خامنه‌ای حیا کن/ مملکتو رها کن»! بیگمان افکار عمومی جامعه ما یادش نرفته، همین ۲۶ اسفند بود که سیمای آتش زنه دختر زندانی ما سپیده قلیان بعد از چهار سال و اندی آزادی از زندان، به پای دیواره بلند زندان اوین فریاد زد «خامنه‌ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک» که جزای سر دادن چنین شعاری که به دفعات در خیابان‌های شهرهای ایران از زبان هزاران هزار جوان - دختر و پسر پیشتر شنیده شده بود، اینبار از زبان یک زندانی سیاسی زن شناخته شده مدافع حقوق کارگران، هزینه بس سنگینی برای او به دنبال داشت که آتش به اختیاران فرمانده به فاصله چند ساعت او را که به همراه خانواده‌اش در جاده قم به اراک و به سمت دیار خود دزفول در حرکت بود، سپیده را از چنگ خانواده ربودند و با خود بردند و دیگر بار در بند ۲۰۹ زندان اوین به سر می‌برد. باری چنین نامگذاری، سخن بیهوده‌ای بیش نیست و دردی از مردمان جامعه و خاصه مزد و حقوق بگیرانش درمان نمی‌کند!

همن جا باید گفت: چنانچه آن دیگر روسای دولت‌های دست‌نشانده فرمانده درمانده، توانستند منویات رهبرشان را در نامگذاری‌های سالانه به سرانجامی برسانند، «ابراهیم رئیسی» این شاگرد زرنگه‌ی شش کلاسه هم می‌تواند تولید را افزایش و تورم را به حد یک عدد اعشاری پائین بیاورد! همانگونه که مجلس اسلامی که در دوم بهمن لایحه بودجه ۱۴۰۲ پیشنهادی دولت رئیسی را به رغم کسری عملیاتی ۴۷۶ هزار میلیارد تومانی تصویب کرد. هم آنان در برابر چشمان مردم جامعه ما، بخش مهارناپذیر تورم را هم زیر سبیلی در می‌کند. در آمارها آمده: «در تاریخ اقتصاد مدرن ایران، فقط شش بار (در شش ماه) تورم نقطه به نقطه‌ی بالای ۵۰ درصد داشته‌ایم که ۴ ماه آن در ۱۴۰۱ رخ

داده است؛ در سال جاری، تورم نقطه به نقطه یا میزان افزایش قیمت در طول یکسال منتهی به ماه مشخص، به طور خاص در حوزه‌ی خوراکی‌ها، رکورد شکن بوده است. ماه‌های آبان و آذر و دی ۱۴۰۱، سه ماهی هستند که تورم نقطه به نقطه‌ی خوراکی آن‌ها بالاتر از ۶۰ درصد بوده است، این شاخص در دیماه به نزدیک ۷۰ درصد رسیده است!...» (ایلنا ۲۱ بهمن) باز براساس آخرین آمار ۶۰ میلیون نفر از جمعیت کشور در فقر یا فقر مطلق به سر می‌برند و وزیر دولت رئیسی «ستاد رفع فقر مطلق» تشکیل داد که در ردیف بودجه قرار گرفت. ولی مردم دو برابر فقیرتر شدند و روزی‌نامه جمهوری اسلامی نوشت: «در کشور ثروتمندی همچون ایران، قابل قبول نیست که فقر به مردم چهره نشان بدهد و ارزش پول ملی به اندازه‌ی کاهش پیدا کند که مردم نتوانند برای زندگی روزمره خود برنامه‌ریزی کنند».

خامنه‌ای در نام‌گذاری سال جدید، در واقع نشانی اشتباهی می‌دهد تا نگوید که عامل این تورم فزاینده چیست و چه عواملی هستی زندگی مردم ما را به سمت فقر و نیستی می‌کشاند.

ظاهراً رهبر، در سخنرانی اول عید امسال، بزرگترین مشکل حال حاضر جامعه را مشکل اقتصادی می‌داند که ناشی از تصدی اقتصاد دولتی است. او بر ادامه اصل ۴۴ پافشاری کرد و دلیل اصلی مشکلات اقتصادی را دولتی بودن اقتصاد دانست و همچنان بر اصل ساختار خصوصی‌سازی، یعنی تداوم غارت بنیادهای اقتصادی توسط خودی‌ها و خصولتی نمودن بنیاد های اقتصادی تأکید ورزید. او هیچ کاری به واریسی دلایل تورم نقطه به نقطه، سال به ماه، ماه به هفته، هفته به روز، روز به ساعت، ساعت به دقیقه و چشم برهم زدن ثانیه شمار نداشت و ندارد. خامنه‌ای هیچ در نمی‌یابد تا زمانی که اقتصاد بصورت رانت و مافیایی است خبری از تولید هرگز نخواهد شد لذا آنوقت کشتی های چینی که بطور مرتب از شیر مرغ تا جان آدمیزاد بدون پرداخت یک ریال گمرکی وارد این مملکت میکنند بهترین تولید کننده هم سرسوزنی شانس برای تولید ندارد و بعدا سودهای میلیاردی که اقوام و نزدیکان حکومتی و دولتی از این رانت میبرند که اکثرا در دستگاہهای حکومتی و دولتی هم منصوب شده اند موافق این نوع اقتصاد هستند و منافع سپاه هم بماند.... چه از نظر ایدئولوژیکی و چه مادی. تماما این عوامل دست به دست هم داده و انگیزه ای شده برای سرکوب کارگران و معلمان و بازنشستگان و روزنامه نگاران و ... اساسا هر صدایی که در افشاگری این بی تدبیری ها و ناکارآمدی های اقتصادی بلند گردد، به فوریت برق و باد صدایش بریده می شود.

برای خامنه‌ای مهم نیست بخش بزرگی از افزایش قیمت دلار هم ناشی از سرمایه‌هایی است که در حال خارج شدن از کشور است؛ چون سرمایه‌گذار نمی‌داند و در نمی‌یابد، در پس تحریم یک ماه دیگر، یا در انتخابات دو سال دیگر یا در استمرار اعتراضات همین ماه و ماه‌های بعدی، در آستانه اول ماه مه و روز معلم امسال چه بلایی بر سر ثروت انبار شده‌ی او خواهد آمد.

خامنه‌ای هیچ نمی‌فهمد به سؤال سرمایه‌گذاران که می‌گویند: سرمایه را صرف خرید دلار کنیم یا طلا و زمین بخریم؟ چه پاسخی باید داد. در واقع به ساده‌ترین زبان دیگر کسی دنبال سرمایه‌گذاری در تولید نبوده و نیست بلکه آنان تنها با پول‌های انباشته شده خویش، دنبال کسب سودهایی‌اند که در بازارهای یاد شده از طریق دلالی کسب می‌گردند. حضرت رهبر! سال «مه‌ار تورم و رشد تولید» کیلویی چند؟!!

کجای کاری حضرت آیت الله، امروز همه‌ی چپاولگران و غارتگران ثروت این جامعه در این اندیشه‌اند که دلارهای بادآورده‌ی خود را در کدام کشور تبدیل به ویلا، زمین، برجک کنند و با کدام شیوه‌ی پولشویی سرمایه را از کشور خارج نمایند؟ سرمایه را به امارات عمان ببرند یا ترکیه، ارمنستان و گرجستان یا به کانادا و استرالیا انتقال دهند؟

باز برای خامنه‌ای مهم نیست که بدین امر پاسخ گوید: چرا در جامعه بی ثبات ما همواره این پرسش مطرح است که دختری، فعال زنی - روزنامه نگار و فروشنده زنی به نشانه اعتراض روسری خود را برمی دارد، بازداشت و به زندان برده می‌شود، ولی سوداگران و کسانی که در فساد چشمگیر دولتی نقش داشته‌اند همچنان آزاد هستند و کسی به دنبال دستگیری طمع کاران و فاسدین و اختلاس گران گردن کلفت نیست؟!

برای خامنه‌ای هیچ مهم نیست که در بازه زمانی یک سال گذشته طبق گزارش سالانه‌ی وضعیت حقوق بشر ایران، ۲۸۲۵ تجمع اعتراضی در ۳۱ استان شامل ۲۴۷ تجمع کارگری، ۸۰۱ مورد تجمع صنفی، ۱۳۵۲ تجمع در حوزه اندیشه و بیان، ۴۳ تجمع دانشجویی، ۱۰ تجمع در حوزه اقلیت‌های مذهبی، ۸ تجمع در حوزه زنان، ۲۴۷ تجمع در حوزه محیط زیست و ۱۱۷ تجمع از شهروندانی که بیشتر آنها مالباختگان و یا دیگر افرادی هستند که حق شهروندی‌شان تضییع شده، به علاوه ۳۹۸ اعتصاب صنفی و ۱۱۶ اعتصاب کارگری نیز برگزار شد (۱).

اگر همه و همه‌ی این کنش عظیم مبارزه‌ی طبقاتی و جنبش آزادیخواهی را در کنار هم جای دهیم، نام نهادن سال ۱۴۰۲ به «مهارتورم و رشد تولید». شوخی بی مزه‌ای بیش نیست. از همین روست که خامنه‌ای چشم و گوشش را در برابر فریاد میلیون‌ها مردم ایران که می‌گویند: «خامنه‌ای به پایانت سلام کن» می‌بندد و در برابر شعار: «خامنه‌ای حیاکن/ مملکتو رها کن» خود را به کر گوش می‌زند.

خامنه‌ای با سکوت حساب شده‌اش، خونخواهی مادران و پدران، خواهران و برادران و تمامی جانفشانان راه آزادی را نادیده پنداشته و انکار می‌کند. با سکوتش فقر و سفره‌های خالی کارگران و زحمتکشان شهری و روستایی را به سخره می‌گیرد. به‌قولی اگر گفته‌های وی اغلب خنجر به قلب مردم است، اکنون ناگفته‌هایش ناتوانی و عجز دیکتاتور را عریان می‌دارد؛ چرا که شعار «زن، زندگی، آزادی» به ما خاطرنشان می‌کند که حتی در مطالبات معیشتی (نان، کار، آزادی)، خواسته‌ی اصلی ما و محل نزاع ما همچنان بر سر دست یابی به کرامت انسانی است و به ما می‌آموزد که نباید اجازه‌ی اصل و فرع ساختن از مطالبات کل جامعه را به دست غیر بسپاریم و مستقل از هر آینده‌ای که در انتظار جامعه ما باشد، در کنار جنبش عظیم دموکراسی خواهی و برابری طلبی مضمون شعار جنبش عظیم «زن، زندگی، آزادی» در تمامی حوزه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی همراه آنان گردیم که این، آن اصل و حرکت پایداری‌ست در حرکت غایی ما به سمت انسانی‌تر و عادلانه‌تر نمودن جامعه ما و استمرار مبارزه نان برای حفظ جان و بقاء زندگی!

سحر تا چه زاید، شب آبیستن است!

منبع:

(۱) گزارش سالانه وضعیت حقوق بشر ایران در سال ۱۴۰۱

<https://www.hra-news.org/periodical/a-135/>.